



## خاتمی؛ تفاوت معنی دار انتخابات\*

محمدجواد غلامرضا کاشی

امروز این جا گرد هم آمده ایم تا از سیدمحمد خاتمی حمایت کنیم. این تجمع، معانی مختلفی را با خود حمل می کند: می تواند یک مانور تبلیغاتی محسوب شود، یا یک گردهم آیی با قصد برانگیختن شور عمومی. می تواند لحظات پیش از یک مسابقه نفس گیر به حساب آید که هدف از آن نیرو بخشیدن به بازیگری در مقابل بازیگران دیگر است.

این همه مقتضی کنش سیاسی است، اما هیچ یک قادر نیست به ما و حمایت ما و جاهت اخلاقی بیخشد. کنش های جمعی و سیاسی کارکردهای متنوعی دارند، اما همواره ضروری است از گوهر یا گوهرهایی نیز سخن بگوییم که به یک کنش، فضیلت و وجاهت اخلاقی می بخشند. اگر یک رفتار حاوی وجاهت اخلاقی باشد، پیروزی یا عدم پیروزی در آن ثانوی است. از وجاهت اخلاقی آن می توان نیرویی بی بدیل برای پیروزی ساخت و در عین حال در اوج شکست نیز همچنان از آن حمایت کرد.

ما به حسب کدام بنیاد اخلاقی از سیدمحمد خاتمی حمایت می کنیم؟ سیدمحمد خاتمی، صرف نظر از آن که خود کیست و چه خصالی دارد، در یک موقعیت بی بدیل نشسته است. موقعیتی که او خود آن را اختیار نکرده است، بلکه بی اختیار خود را در آن یافته و همان نیز او را به ورود به صحنه وادار کرده است. سیدمحمد خاتمی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، بیشترین امکان متصور برای تولید تفاوت معنی دار در انتخابات ریاست جمهوری است.

تولید تفاوت معنی دار، فضیلت کنش سیاسی از نوع انتخابات است. انتخابات بی احساس تفاوت معنی دار، به صحنه کشاندن حقارت بار مردم به عرصه سیاسی است. در چنان وضعی مردم یا به واسطه تکلیف، یا به واسطه اجبار و یا از سر جهل در انتخابات شرکت می کنند و در هر سه صورت آنچه در میدان نیست، آزادی و امکان انتخاب معنی دار است.

بی حضور و حس آزادی، همه چیز و همه فضایل رقیب نیز در خطر انهدام و نابودی اند.

آزادی شرط و امکان هستی دار شدن همه فضائل دیگر اخلاقی و اجتماعی است.

در همان حال از سیدمحمد خاتمی حمایت می کنیم، چرا که او امکان گشودگی زمینه های اجتماعی و فرهنگی برای ظهور و تقویت خرده های گوناگون جمعی است. اگر دیگران از خرده های برتر خود سخن می گویند و در صدد اثبات این نکته اند که به چه دلیل از دیگران برتر و شایسته ترند،

سیدمحمد خاتمی خواسته یا ناخواسته زمینه ساز ظهور و بروز خرده های متکثر در عرصه عمومی است. امتیاز او گشودن زمینه برای خرده های دیگر، جهت اثبات برتری شان بوده است. چنان که او در دوران خود، بیشترین زمینه های رشد خرده های منتقد خود را در عرصه عمومی فراهم ساخت؛ هم کسانی که در نقد او از چارچوب های نظام بیرون رفتند و هم کسانی که مدافعان سرسخت نظام بودند، اما پیش از او منطق گفتاری و کرداری شان به بن بست رسیده بود، در فضای گشوده او توانستند توش و توان فکری و عملی خود را باز یابند.

او به جای تلاش برای برجسته ساختن خود در عرصه سیاسی، تلاش داشت به

دیگران بیاموزد او تنها امکان و بستری است گشوده برای شکفتن میلیون ها

گل. انگشت اشاره به پایین داشت و تقصیر از او نبود که کسان بسیاری

چشم از انگشت اشاره او بر نمی داشتند و همچنان به او نظر دوخته بودند

و از عادت دیرینه نگاه منتظر و گشوده به بالا دست، چشم نمی شستند.

\* ارائه شده در دومین همایش پویش دعوت و حمایت از خاتمی.

